

## همیرزا ابوالحسن ایلیچی

نخستین ایرانی در امریکا

-۱-

در این چند سال ، نیک یابد ، روابط ما با امریکا و امریکائیان (۱) روز بروز بیشتر شده درحالیکه پیش از جنگ جهانی دوم در برابر کشورهای چون انگلستان و فرانسه و آلمان و حتی سوئیس ، امریکا در نزد ایرانیان در درجهٔ دوم و بلکه سوم بود. بحث در علت روزافزونی این روابط از زمینهٔ این گفتار بیرونست . ما در اینجا میخواهیم در بارهٔ چگونگی آغاز این رفت و آمدها یاروشن تر بگوئیم شرح احوال نخستین ایرانی که بقارهٔ امریکا رفته سخن بگوئیم نزدیک به یکصد و بیست سال پیش نخستین مسیون امریکائی با ایران آمد . سپس در سال ۱۲۷۳ هجری قمری برابر با سال ۱۸۵۶ میلادی نخستین بیجان دوستی و بازرگانی میان دودولت ایران و امریکا در شهر استانبول بوسیلهٔ امین‌الملک فرخ خان غفاری کاشانی سفیر ایران در فرانسه و کارول اسپنس (۲) و وزیر مختار امریکا در دربار عثمانی بسته شد. در نبال آن در سال ۱۳۰۰ هجری قمری برابر با ۱۸۸۳ میلادی نخستین وزیر مختار امریکا بنام بنجامین (۳) بسوی ایران حرکت کرد و پنج سال پس از آن حاجی حسین قلی‌خان معتمدالوزراء (سپس صدراسلطنه) بسفارت از سوی دولت ایران بواشنگتن رفت .

گرچه با این مقدمه چنین مینماید که نخستین ایرانی که بقارهٔ امریکا قدم گذاشته همان حاجی حسین قلی‌خان صدراسلطنه است ، ولی حقیقت چنانکه در این گفتار خواهد آمد جز اینست . برای دانستن داستان این سفرشگفت انگیز و شرح احوال مسافری که خودوی هم تاهنگامی که قدم بخاک دنیای جدید گذاشت نمیدانست بکجا میرود ، باید یکصد و پنجاه سال بعقب باز کردیم پس از آنکه اطفاقلی خان زند نوادهٔ برادر کریم خان زند بسند آغا محمد خان قاجار و بر اثر خیانت حاجی میرزا ابراهیم خان کلانتر شیراز از میان رفت و آغا محمد خان تقریباً بر همهٔ ایران دست یافت ، حاجی ابراهیم خان بیاس خدمت گرانهای خود بخان قاجار بوزارت گماشته شد واعتماد الدوله لقب یافت . (۴) این وزیر با تدبیر ، که پایه‌های سلطنت سلسلهٔ قاجاریه

---

۱ - کشور « ایالات متحده » را از لحاظ اطلاق نام کل بجز امریکا نیز می نامند  
واژهٔ امریکا در این گفتار بهمین معنی بکار رفته .

S. G. W. Benjamin - ۳

Carrol Spence - ۲

۴ - نسب و شرح احوال وی در فارستامهٔ ناصری در ذکرو قایع سال ۱۲۱۵ هجری آمده است. این را هم بگوئیم که ظاهراً لقب اعتماد الدوله را نخست شاهان صفوی بصدر اعظم خود دیده‌اند و سپس در دورهٔ قاجاریه دوباره بهمین معنی بکار رفت .

را استوار کرد، خواهر زاده‌ای داشت بنام ابوالحسن خان. در فارسنامه ناصری در بیان نسبش در ذیل وقایع سال ۱۲۲۴ هجری قمری آمده است که «پسر محمد علی نام از اهالی توابع اصفهانست که بسبب از وطن خود دور افتاده و ر عهد کریم خان و کیل طاب نراه پسر رسته داری سپاه مأمور گردید و دختر حاجی هاشم کدخدای باشی شیرازی ولد جناب حاجی ابراهیم خان اعتماد الدوله را در ازدواج خود در آورد و میرزا ابوالحسن خان از او بر مرصه وجود آمد.»

حاجی ابراهیم خان اعتماد الدوله در سلطنت فتحعلی شاه قاجار که پس از آغا محمد خان تخت نشسته بود نفوذ بسیار یافت، چنانکه برادران و فرزندانش هر کدام مقام مهمی داشتند. از آن میان اسدالله خان پسرش ایالت بروجرد و لرستان و شوشتر و دزفول را داشت. میرزا ابوالحسن خان زیر دست همین پسر داتی خود به نیابت حکومت شوشتر گماشته شد. ولی دوره اقتدار حاجی میرزا ابراهیم خان اعتماد الدوله دیر نپایید و در سال ۱۲۱۵ هجری قمری بدستور فتحعلی شاه بیگباره وزیر و کسانش را به بهانه ای گرفتند. برخی را کشته و برخی دیگر را کور و ناقص کرده اموالشان را نیز ضبط دولت در آوردند. در این گیر و دار میرزا ابوالحسن خان به هندوستان گریخت و بگفته نویسنده فارسنامه ناصری «در حیدرآباد کن توقف نمود و به بلند آوازی اعتماد الدوله ایران در خدمت پادشاه آن دیار بتمصب منادمت رسید و در ماهی دو بست رویه سکه برای او قراردادند.»  
برای روشن شدن باز مانده داستان باید کمی هم از پیش آمده‌های اروپا در آن زمان و ارتباط آنها با کشور خودمان گفتگو کنیم.

در این زمان ناپلئون بناپارت در اروپا بسیار نیرومند و سبب نگرانی انگلستان شده بود. چون پل امپراطور روسیه نیز خواهان دوستی با ناپلئون بود انگلستان برای جلوگیری از خطر همدستی آن دو بدست و پا افتاده سرجان ملکم (۱) را از سوی کپانی هند در سال ۱۲۱۵ قمری برابر ۱۸۰۰ میلادی با هدیه هائی بدر بار فتحعلی شاه فرستاد و پیمان تعرضی و تدابری میان دولت های ایران و انگلستان در برابر روسیه و فرانسه بسته شد. پس از امضاء این پیمان پل امپراطور روسیه کشته شد و الکساندر اول فرزندش که هواخواه انگلستان بود بجای وی نشست. بهمین سبب انگلستان دیگر نیازمند دوستی ایران نبود و در سال ۱۲۱۸ هجری قمری برابر سال ۱۸۰۳ میلادی که سربازان روس بخاک ایران تاخندند بدرخواستهای دولت ایران برای کمک باستاد پیمان تعرضی و تدابری اعتنائی نکرد و ایران را در برابر روسها تنها گذاشت. در این میان ناپلئون از نیاز دولت ایران بیاوری و رنجش آن از انگلستان آگاه شد و برای داشتن ایران به همدستی با خود و هموار کردن راه تصرف هندوستان، پیمانی با دولت ایران بست و در نتیجه ژنرال گاردان (۲) و هفتاد تن افسر فرانسوی بایران آمدند. (۱۲۲۲ = ۱۸۰۷) ولی دیری نگذشت که سیاست ناپلئون دیگر شد و ایران بیکه ماند، باین شرح که پس از شکست روسیه از ناپلئون در سال ۱۸۰۷، ناپلئون و الکساندر اول در شهر تیلیت در بک دربار دوستانه پیمانی برای تقسیم اروپا و آسیا بستند. پس از این واقعه بیدرنگ دولت انگلستان خطر را دریافت و باز دست دوستی بسوی ایران دراز کرد.

فتحعلی شاه که در جنگ باروسها کرچستان و قراباغ و سرزمینهای دیگری را از دست داده بود و از نوید های ناپلئون و اقامت ژنرال گاردان در ایران هم سودی ندیده بود ، ناچار باز روسی انگلیسها کرد. در این هنگام از يك سو سرجان ملکم از هندوستان با امان آمد و از سوی دیگر سرهارفورد جونز (۱) از لندن با هدیه هائی روی پدربار فتحعلی شاه آورد .

این دو سفیر بملت هائی که از زمینه این گفتار بیرونست بایکدیگر راه نرفته و اختلاف هائی هم پیدا کرده بودند . در این میان دولت ایران هم سرگردان بود و نمیدانست با کدام يك باید طرف باشد . سرهارفورد جونز بدولت ایران پیشنهاد کرد که سفیری بلندن بفرستند تا هم تکلیف دو سفیر معلوم و هم نماینده رسمی ایران مستقیماً از نظر دولت انگلستان آگاه شود . (۲)

از سوی دولت ایران حاجی میرزا ابوالحسن خان شیرازی سفارت برگزیده شد . این شخص همان خواهر زاده حاجی میرزا ابراهیم خان اعتماد الدوله است که پس از گرفتاری دائی خود به هندوستان گریخته بود . فارسنامه ناصری در وقایع سال ۱۲۲۴ هجری قمری پس از ذکر دلباختگی او در هند بشاهدی فیض بخش نام ، سبب بازگشت وی را با ایران و انتصابش را به سفارت لندن چنین مینویسد : « چون اطلاع یافت که حضرت خاقان فتحعلی شاه با بازماندگان اعتمادالدوله بر سر مرحمت آمده از هندوستان بشیراز آمد و خدمت نواب حسین علی میرزا فرمانفرما (۳) بمنصب بسا ولی سرافراز گردید و چون جناب حاجی محمد حسین امین الدوله اصفهانی (۴) داماد اعتمادالدوله بود حاجی میرزا ابوالحسن خان سر به بسا ولی فرود نیآورد . خدمت جناب امین الدوله رسید و بتوسط آن جناب مأمور به سفارت دارالسلطنه لندن گردید . »

اکنون شرح این سفر را از کتاب ناسخ التواریخ ( جلد اول قاجاریه ) می آوریم . در ذکر وقایع سال ۱۲۲۶ هجری قمری می نویسد : « همانا پیش از این مر قوم شد که میرزا ابوالحسن خان شیرازی به سفارت لندن مأمور گشت .

#### ۱- Sir Harford Jone

۲ - برای تفصیل بیشتر بکتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان جلد اول مراجعه فرمائید .

۳ - حسین علی میرزا فرمانفرما پسر فتحعلی شاه بود که در سال ۱۲۱۴ هجری قمری فرمانفرمائی فارس با واکذار شد . وی پس از مرگ فتحعلی شاه شاهی محمد میرزا سر فرو نیآورد . ولی در برابر وی پایداری نتوانسته دستگیر شد و پس از چند ماه درگذشت . سه تن از فرزندان او براهمنائی انگلیسها بلندن رفتند و تا زمانی که میان محمدشاه و انگلستان صفائی برقرار نشده بود ادعای سلطنت ایران را داشتند .

۴ - حاجی محمد خان صدر اصفهانی در سال ۱۲۱۰ هجری قمری بحکومت اصفهان رسید و سپس در سال ۱۲۲۱ مستوفی الممالک شد و پس از مرگ میرزا محمد شفیع مازندرانی در سال ۱۲۳۴ بصدارت رسید .

بعد از طی مسافت چون بحدود آن مملکت فرود شد سرگوداوزلی بارونت (۱) که از اعیان دولت بود بمیزبانی و مهمان پذیری او را پذیره گشت و بامکانی تمامی بلندن در آورد...»

پس از شرح گفتگوها وی با دولت انگلستان چنین ادامه میدهد: «... سالی یکهزار و پانصد تومان نیز در وجه میرزا ابوالحسن خان برقرار کردند که دولت کپنی هند مأخوذ دارد. آنگاه سرگور اوزلی بارونت را سفیر ایران ساخته باتفاق میرزا ابوالحسن خان مأمور داشتند و ایشان کشتی در آب افکنده از دریای محیط رهسپار شدند. کشتی ایشان در قبه بحر از باد مخالف عنان از کف ناخدا بستد. وقتی بغوش آمدند بنزدیک ساحل یشگی دنیا بودند. ناچار رخت بخشگی کشیدند و در بندر ریجنرو (۲) که از توابع مملکت برزیل است و در تحت فرمان پادشاه برتگیز سر بدر کردند. پادشاه برتگیز که از نهب ناپلئون فراد کرده در آنجا نشین داشت از حال ایشان آگاه شد و جمعی را باستقبال فرستاده هر دو تن را با مکنات تمام وارد شهر ریجنرو کرد و روزی چند بمهمانی بداشت و چنان افتاد که در آن ایام ماری سیزده ذرع دراز از ایک ذرع پهناداشت بدست مردی در میان درختان نخچیر شد. چون جسد آن سخت شگرف بود به حضرت پادشاه برتگیز آوردند بفرمود تا پوست آنرا که ضخامت چرم گاو داشت بر کنند و بمصحوب میرزا ابوالحسن خان انقاد حضرت پادشاه ایران داشت تا از خلقت آن جانور شکفتی گیرند. هم اکنون پوست آن مار بر قرار است. مع القصه چون وفان باد باز نشست دیگر باره کشتی در آب افکنند و بر نشسته تا بندر بو شهر برانندند.»

در اینجا شرح سفر نخستین ایرانی بقاره امریکا بپایان میرسد؛ ولی بجاست که پیش آمدهای مهم دیگر زندگانی میرزا ابوالحسن خان شیرازی را برای کامل کردن سرگذشت وی که از بزرگان دربار قاجاریه بوده و در بیشتر حادثه های آن زمان دست داشته، در دنباله مطلب بیاوریم.

\* \* \*

**مهر** - بخش نخست مقاله آقای فنحی بهمین جا پایان میگردد. چون میرزا ابوالحسن خان شیرازی معروف بایلچی از رجال نامدار دوره قاجازی است بدرج مقاله بالا مبادرت شد. نامبرده شرح سفر را در سفرنامه خود که «حیرت نامه سفر» نام دارد و نسخه هائی از آن در طهران یافت میشود به تفصیل نوشته است. در همین سفر جیمز موریه نویسنده حاجی بابا نیز از لندن همراه وی بود. در شماره آینده دنباله سرگذشت میرزا ابوالحسن ایلچی بچاپ میرسد.

در باره فرزندان حسین علی میرزا فرمانفرما که نوادگان فتحعلی شاه بودند خوانندگان را به مقاله بسیار ممتع آقای محمود عرفان در سال سوم مجله آئینه راهنمایی میکنیم. اینجا مناسب است که از فاضل محترم آقای عرفان بخواهیم که خوانندگان را از اطلاعات خود بهره مند سازد.

### ۱ - Sir Gore Ouseley

۲ - ریجنرو همان ریودوژانیرو Rio de Janiro و برتگیز پرتغال است. در سال ۱۸۰۷ میلادی که سپاهیان ناپلئون به کشور پرتغال حمله آوردند خانواده سلطنتی و درباریان به برزیل مستعمره آن کشور گریختند و از آن پس در برزیل یکی از اعضاء خانواده سلطنتی پرتغال حکومت میکرد. در سال ۱۸۲۲ میلادی شاهزاده دون پدر و استقلال برزیل را اعلام کرد. در سال ۱۸۸۹ بایک کودتای نظامی شاه خلع و بارو با روانه شد. سران انقلاب کشور را تا سال ۱۸۹۱ اداره کردند و در این سال برزیل دارای حکومتی مانند کشورهای متحد امریکا شد.